****

[نقد مرحوم صدر به مرحوم نائینی: امکان وضع لفظ برای معنای مرکب 2](#_Toc499013869)

[کلام مرحوم خویی: تصویر استصحاب بقاء العید بدون مشکل اصل مثبت 2](#_Toc499013870)

[اشکال مرحوم صدر: تعارض این استصحاب با استصحاب عدم العید 3](#_Toc499013871)

[پاسخ مرحوم خویی: معارض داشتن و کلی قسم ثالث بودن 3](#_Toc499013872)

**موضوع**: فروع اصل مثبت /تنبیه هفتم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در بیان فروع اصل مثبت بود.

محصل کلام مرحوم نائینی در مورد استثنای اول مرحوم شیخ در لوازم خفیه این بود که در استصحاب عدم دخول شهر لاحق یا استصحاب بقای شهر سابق، در صورت ترکب موضوع، جریان استصحاب هیچ ربطی به بحث لوازم خفیه ندارد و در صورت بساطت موضوع نیز جریان استصحاب دارای مشکل اصل مثبت خواهد بود. از آن جا که که به لحاظ صغروی، مفهوم اول، یک معنای بسیط است، جریان این استصحاب برای اثبات اولیت، از قبیل اصل مثبت خواهد بود.

سپس یک نکته فقهی بیان کردند که اگر چه به حسب وضع و لغت، عنوان اول دارای بساطت است، ولی مستفاد از ادله این است که آن عنوان (اول الشهر) که موضوع احکام شرعی خاص است، عنوانی مرکب است. گویا شارع حکم کرده است که نسبت به آن روز شوالی که سی روز از اول رمضان فاصله دارد و قبل از آن هم شوال نبوده است، احکام عید را مترتب کنید.

عنوان اول ماه، به حسب لغت، به معنای اولین روزی است که هلال ماه، در شب آن رؤیت شده است (اولِ واقعی)، لکن موضوع حکم ظاهری شارع به احکام عید (یعنی حکمی که در فرض شک، جعل شده است.)، اول واقعی نیست، بلکه موضوعی مرکب است. موضوع احکام واقعی عید، اول واقعی است، لکن ادله ای داریم که احکام ظاهری عید را بیان کرده اند و موضوع آن را عنوانی مرکب، معرفی کرده اند.[[1]](#footnote-1)

نکته: اگر شارع انقضای سی روز واقعی را موضوع برای احکام عید قرار دهد، معلوم می شود که این حکم، یک حکم واقعی است، نه ظاهری.

نقد مرحوم صدر به مرحوم نائینی: امکان وضع لفظ برای معنای مرکب

مرحوم صدر در رابطه با این کلام مرحوم نائینی، فرموده اند: راجع به این که مرحوم نائینی مفهومِ (اول) را بسیط دانسته و بلکه ادعای عدم تعقل عناوین مرکب را کردند (چرا که لفظ برای اجزاء با وصف اجتماع وضع شده است.)، باید گفت که در مورد بسیط بودن معنای (اول)، کلام مرحوم نائینی صحیح است، اما راجع به معقول نبودن مفهوم مرکب برای الفاظ، باید گفت این مطلب ایشان اشکال دارد و ممکن است واضع، بعد از لحاظ معنای ترکب، لفظ را برای واقع الترکیب وضع کند، نه این که اجتماع الترکیب را موضوع له قرار دهد.

سپس مثال معروفِ مرأۀ قرشیه (المرأۀ تحیض الی خمسین الا القرشیۀ) را ذکر کرده اند که مفهوم استثناء عبارت از اقتطاع است، نه عنوان دادن. موضوع حکم این است که مرأۀ باشد و قرشیت هم نباشد. به همین خاطر است که علماء با استصحاب عدم ازلیِ قرشیت، حکم حیض تا پنجاه سال را اثبات می کنند. این ترکیبی بودن موضوع در این مثال را علماء از استثناء مذکور در جمله استفاده کرده اند. اگر جمله (المرأۀ تحیض الی خمسین الا القرشیۀ) می تواند دال بر موضوع مرکب باشد، چه اشکالی دارد که به جای این هیئت ترکیبیه (جمله استثنائیه)، لغوی یک لفظ مفرد را برای این معنای مرکب وضع کند؟

بعید نیست که کلام مرحوم صدر (امکان وضع لفظ برای معنای مرکب) درست باشد، اگر چه در مورد وقوع، همه قبول دارند که الفاظ برای معنای بسیط وضع شده اند.

###### کلام مرحوم خویی: تصویر استصحاب بقاء العید بدون مشکل اصل مثبت

مرحوم در این که عنوان اولیت، بسیط بوده و نمی توان به وسیله استصحاب بقاء الشهر، احکام عید را اثبات کرد با مرحوم نائینی موافق هستند، لکن فرموده اند: به جای استصحاب ماه رمضان یا استصحاب عدم شوال، می بایست استصحاب بقاء یوم العید را جاری کرد.

توضیح این که بعد از گذشت یک ساعت از روز سی و یکم شوال می توان گفت: هم اکنون یقین به تحقق شوال وجود دارد. اگر ماه رمضان سی روز بوده است، دیروز یوم العید محقق شده است و الان منقضی شده است و اگر هم سی و یک روز بوده است، یوم العید محقق شده و هم اکنون ادامه دارد. پس یقین به تحقق یوم العید و شک در بقایش داریم و لذا استصحاب بقاء یوم العید را جاری می کنیم.

بنابراین برای اثبات احکام عید می توان مستقیما استصحاب عید را جاری کرد، نه این که ابتدا استصحاب رمضان را جاری کرده و سپس لازمه اش را اثبات کرد.[[2]](#footnote-2)

نکته: مرحوم خویی در این جا به دنبال اثبات اتصاف روز سی و یکم به عید بودن نیستند، بلکه خواسته اند اصل بقاء عید را اثبات کنند که همین موضوع احکام عید است.

اشکال مرحوم صدر: تعارض این استصحاب با استصحاب عدم العید

مرحوم صدر به این مطلب مرحوم خویی اشکال کرده اند که این استصحاب بقاء عید، با استصحاب عدم عید فی احد الیومین، معارض است. همانطوری که علم به تحقق عید در یکی از این دو روز داریم، علم به نبود عید در یکی از این دو روز هم داریم. اگر ماه رمضان 29 روز بوده، امروز عید نیست و اگر هم 30 روز بوده دیروز عید نبوده است.

پاسخ مرحوم خویی: معارض داشتن و کلی قسم ثالث بودن

مرحوم خویی به این اشکال جواب داده اند که این معارض دو مشکل دارد: الف. این معارض، خودش معارض دارد و لذا استصحاب بقاء العید، معارضی ندارد. ب. این معارض از قبیل کلی قسم ثالث است.

استصحاب عید، از قبیل استصحاب شخص است؛ چون که عید یک روز بیشتر نیست، ولی عدم العید بر روز سی ام ماه مبارک و نیز روز دوم ماه شوال صادق است. از آن جا که عدم العید دو مصداق دارد، استصحابش از قبیل کلی قسم ثالث است.

بحث بین مرحوم صدر و مرحوم خویی در این مساله ادامه پیدا کرده است و از آن جا که قبلا به طور مفصل بیان کرده ایم، دیگر تکرار نمی کنیم.

مطلب مورد نظر ما در این بحث این بود که با استصحاب بقاء ماه رمضان، نمی توان احکام عید را ثابت کرد و این استصحاب با مشکل اصل مثبت روبرو است.

1. [فوائد الاصول، محقق نایینی (ابوالقاسم خویی)، ج4، ص497.](http://lib.eshia.ir/13102/4/497/دخول) [↑](#footnote-ref-1)
2. [موسوعة الامام الخویی، ابوالقاسم خویی، ج48، ص197.](http://lib.eshia.ir/71334/48/197/مضی) [↑](#footnote-ref-2)